

با چین و روسیه، خلیج فارس و اقیانوس هند، نیروی انسانی جوان و پرتوان، عرصه‌ای مناسب برای همکاری بر مبنای منافع مشترک هر یک از کشورهای این حوزه به شمار می‌رفت. رئیسی در حاشیه این اجلاس همچنین توانست قرارداد سه جانبه سوآپ گازی را با حضور «الهام علی‌اف»، رئیس جمهور آذربایجان و وزرای نفت دو کشور به امضا برساند؛ قراردادی که یکی از مهم‌ترین اقدامات دولت در حوزه انرژی به شمار می‌رفت. بر اساس این قرارداد مقرر شد ایران در مرز ترکمنستان روزانه ۵ تا ۶ میلیون مترمکعب گاز صادراتی از این کشور را دریافت کرده و ما به‌زای آن را در مرز به جمهوری آذربایجان تحویل دهد.

رئیس‌سیاست خارجی آسیامحور خود را در حالی در دستور کار قرار داد که پیش از آن تحولات مهمی در مناسبات غرب با دو قدرت بزرگ آسیا یعنی چین و روسیه پدید آمده بود که اغلب ناظران، این تحولات را فرصت تازه برای تهران ارزیابی کردند. ماجرای بحران اوکراین همچون زخمی ناسور، روسیه را به درگیری بزرگ با غرب کشانده و داستان تحریم طولانی ایران این بار در روسیه تکرار شده بود اما به نظر می‌رسید سیاستگذاران دولت رئیسی برخلاف دولت‌های گذشته در پی شرط بندی بر سر برد و باخت در جدال شرق و غرب نبودند.

توافق جامع تهران - پکن

امضای توافقنامه ۲۵ ساله ایران و چین به موازات پیگیری هوشمندانه مذاکره با غرب در زمین وین، زیر سایه درک دولتمردان ایرانی از واقعیات حاکم بر مناسبات بین‌المللی حاصل شد. امری که به معنای به کارگیری همه ظرفیت‌های بالقوه در عرصه سیاست خارجی در برابر یکجانبه‌گرایی آمریکا به شمار می‌رفت که طی دهه‌ها از منظر یک مدعی، خود را مجاز به عهدشکنی و تصویب تحریم‌های ظالمانه علیه دیگر کشورها می‌دانست. این در حالی است که قریب به اتفاق ناظران معتقدند پکن به تدریج در حال تبدیل شدن به قدرت نخست اقتصادی جهان است که چشم‌انداز شکل‌گیری یک چند قطبی جدید بر پایه رقابت اقتصادی در جهان آینده را به تصویر می‌کشد. جهش اقتصادی چین در دهه‌های اخیر از ظهور قدرت بزرگ جدیدی حکایت می‌کند که بویژه در سال‌های اخیر کوشیده معمار نظم نوین اقتصادی در سطح بین‌الملل باشد و برای این مهم دست به اقدامات گسترده‌ای بزند؛ بسیاری از تحولات مهم از «کمر بند راه ابریشم» گرفته تا تقویت همکاری‌های نظامی و امنیتی میان چین - روسیه - ایران و همچنین توافق ۲۵ ساله ایران - چین و... می‌تواند در این منازعه جدید قابل فهم باشد. به این ترتیب صحنه بین‌الملل به تدریج نظاره‌گر تغییر قدرت اقتصادی از غرب مبتنی بر هژمونی آمریکا به سوی حوزه شرق بوده است.

با وجود تلاش واشنگتن جهت افزودن بر گستره تحریم‌های ضد ایرانی و مسدود کردن روند صادرات نفت و انرژی کشورمان، پکن با گشایش کانال‌های مهم پنهان برای کمک به ایران در تسهیل خرید و فروش نفت علی‌رغم مخالفت صریح آمریکا از عقب ماندن ایران از بازار رقابتی انرژی ممانعت به عمل آورد و کشورمان توانست امکان فروش نفت خود را در سطح قابل قبولی حفظ کند. شاید پررنگ‌ترین وجه همکاری‌های تنگاتنگ تهران و پکن را باید در روند مذاکرات رفع تحریم‌ها و همچنین ادوار اخیر نشست‌های شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی یافت. بر خلاف رویکرد پیشین پکن در مواجهه با پرونده هسته‌ای ایران که در خوش‌بینانه‌ترین حالت ممکن تلاش می‌کرد در میدان مواجهه دیپلماتیک ایران و آمریکا سکوت پیشه کند تا از اثرات مجازات‌های فرامرزی این کشور مصون بماند، تحولات جدیدی در فصل جدید روابط ایران و چین رقم خورده است. مخالفت صریح و قاطع این کشور

با قطعنامه‌های اخیر شورای حکام علیه جمهوری اسلامی، رأی منفی به قطعنامه و طرح‌های ادعایی حقوق بشری که کشورهای غرب به بهانه حمایت از اغتشاشات اخیر ایران در نهادهای ذی‌مجموعه سازمان ملل متحد در دستور کار قرار گرفت در کنار حمایت دیپلمات‌های چینی از مواضع مذاکراتی ایران در گفت‌وگوهای رفع تحریم‌ها از مهم‌ترین نشانه‌های تغییر در سطح مناسبات دو کشور به شمار می‌رفت.

مجموع این تحولات نشان داد مقام‌های پکن در چهارچوب مناسبات با تهران آماده هستند نسبت به گذشته هزینه بیشتری صرف کنند و منافع سیاسی و اقتصادی هر یک از اعضای شبکه متحدین راهبردی خود را مورد حمایت جدی قرار دهند.

در پی شکل‌گیری چنین رابطه‌ای بود که روزنامه صهیونیستی «جرورالم پست» پس از انتشار ابعاد توافقنامه راهبردی ۲۵ ساله ایران و چین، گزارش خود درباره رابطه دو کشور را با این مقدمه آغاز کرد که «اگر کسی در مورد اینکه ایران چگونه توانسته در برابر تحریم‌های ایالات متحده و اتحادیه اروپا مقاومت کند و نگران تنش فعلی خود با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نباشد، ابهام داشته باشد باید راز آن را در رابطه تهران و پکن جست‌وجو کند.» این گزارش در ادامه به حجم مبادلات نفتی میان دو کشور اشاره نمود و اعلام کرد که «چین از زمان روی کار آمدن «جو بایدن»، رئیس‌جمهور آمریکا، ۲۲ میلیارد دلار نفت خام از ایران خریداری کرده است.»

تجربه‌ای قابل تکرار با روسیه رویکردی که ایران در روند همکاری دو سال اخیر خود از نوع آنچه در قالب توافق راهبردی ۲۵ ساله با چین رقم زد، تجربه غیر قابل تکراری با سایر متحدان منطقه‌ای و آسیایی‌اش بویژه روسیه نبود. چه آنکه مرور مناسبات ویژه‌ای که مقامات عالی ایران و روسیه بویژه در این مدت از سر گذرانده بودند تا حدود زیادی از حجم این تردیدها می‌کاست. تهران و مسکو در دوره جدید از حس بی‌اعتمادی به سمت همکاری‌های راهبردی حرکت کرده و دلایل متعددی برای گسترش همکاری با یکدیگر یافته‌اند و با وجود برخی تفاوت‌ها و حتی اختلاف‌نظرها در جهت‌گیری‌ها در شرایط حساس، ضرورت‌های همکاری را به‌درستی درک می‌کنند. در چنین فضای از همکاری است که پیگیری تمدید قرارداد ۲۰ ساله با روسیه به یکی از رؤس برنامه دیپلمات‌ها در روند همکاری دوجانبه تبدیل شده است. قابل انتظار بود که متن این قرارداد جامع راهبردی که در سال ۱۳۷۹ به امضای دو کشور رسیده بود، به اقتضای شرایط روز مورد بازبینی در حوزه‌های مختلف همکاری قرار گیرد. مقرر شده بود که پس از پایان مهلت ۲۰ ساله، اگر دو کشور یک‌سال قبل از خاتمه دوره معاهده به طرف مقابل ملاحظه و نکته‌ای را اعلام نکردند، این قرارداد به شکل خودکار برای پنج سال تمدید شود. با گذر ۲۰ سال از عمر این توافق همکاری، مقام‌های دو کشور در نظر دارند افق تازه‌ای را برای تعمیق همکاری‌ها در قالب این معاهده همکاری ترسیم کنند.

تنها چند روز بعد از اعلام اجرایی شدن توافق جامع راهبردی ایران و چین بود که موضوع دستیابی به توافقی مشابه در سفر زمستان ۱۴۰۰ رئیسی به مسکو در صدر فهرست موضوعات مورد گفت‌وگو در کاخ «کرم‌لین» قرار گرفت. رئیسی در این سفر، پیش‌نویس قراردادی ۲۰ ساله با روسیه را به همراه خود برد و مقرر شد این توافق پس از طی مراحل نهایی به سند پایه دو کشور در عرصه تعاملات همه‌جانبه تبدیل شود. یکی از مهم‌ترین وجوه همکاری ایران و روسیه در قالب این تفاهم همکاری راهبردی، حوزه اقتصادی است که دو طرف این ظرفیت را در خود دیده‌اند مبادلات اقتصادی دوجانبه را تا ۲۵ میلیارد دلار در سال افزایش دهند. این در حالی است که روند مبادلات بازرگانی

تهران- مسکو در سال‌های ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱ و با وجود اپیدمی کرونا با روندی افزایشی روبه‌رو شد که از وجود ظرفیت‌های بالقوه همکاری حکایت می‌کرد. حجم مبادلات تجاری دو کشور علی‌رغم آثار مثبت ناشی از امضای موافقتنامه موقت تجارت ترجیحی فیما بین جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا، در چند سال اخیر با رشد قابل توجهی همراه بوده است.

تحولات تند دور گذار

علاوه بر همکاری‌های دوجانبه دور تازه‌ای از همکاری‌های چندجانبه میان ایران، روسیه و چین در مواجهه با سناریوهای متعدد آمریکا و غرب به جریان افتاده است؛ از همکاری‌های سیاسی و میدانی در جنگ داخلی سوریه گرفته تا همکاری‌های دیپلماتیک در زمین مذاکرات رفع تحریم‌ها. علاوه بر اینها نمونه‌های متفاوت دیگری از به چالش کشیده شدن نقش هژمونی آمریکا در دو سال گذشته روی داده است که نشان از دور تند تحولات در دوران گذار دارد. این چنین بود که نشریه آمریکایی «واشنگتن فری بیکن» به نقل از «جوزف هومیر»، تحلیلگر امنیت ملی آمریکا رزمایش‌های نظامی دو سال اخیر ۳ جانبه ایران، چین و روسیه را نمایش یک قدرت بزرگ چندجانبه توصیف کرد؛ نمایش و تحرکاتی که به اعتقاد این رسانه با عادی‌سازی ایالات متحده روبه‌رو شده و این کشور را در معرض خطر قرار می‌دهد.



مجموع تحولات نشان داد مقام‌های پکن در چهارچوب مناسبات با تهران آماده هستند نسبت به گذشته هزینه بیشتری صرف کنند و منافع سیاسی و اقتصادی هر یک از اعضای شبکه متحدین راهبردی خود را مورد حمایت جدی قرار دهند

نگرانی آمریکا

بدون شک رویکرد یکجانبه‌گرایانه آمریکا در قبال جمهوری اسلامی در دهه‌ها و سال‌های گذشته و از سوی دیگر روند رو به رشد رقابت آمریکا با چین و تقابل با روسیه که در بحران اوکراین به اوج رسید، نقش مهمی در شکل‌گیری تقویت اتحاد دوجانبه تهران با پایتخت‌های مسکو و پکن و همچنین همکاری‌های سه‌جانبه میان ایران، روسیه و چین داشته است در واقع درک مشترک این کشورها از خطرات دامنه‌دار رویکرد مداخله‌جویانه آمریکا، آنها را به سمت و سوی تقویت همکاری‌های همه‌جانبه کشانده است. مناسباتی که بویژه پس از آغاز به کار دولت رئیسی در عرصه مناسبات سیاسی و اقتصادی دوجانبه و چندجانبه روند رو به پیشرفتی تجربه کرده و چنین وجهی از همکاری به دیگر حوزه‌های دفاعی، امنیتی و سیاسی تسری یافته است. اهمیت این همکاری‌ها زمانی دوچندان می‌شود که به خاطر بیاوریم پیش از آن آمریکا کوشیده بود با ائتلاف‌های ادعایی با شماری از همپیمانانش در منطقه خاورمیانه و آسیا از شرکای عربی گرفته تا بازیگرانی همچون کره جنوبی و استرالیا پیوندی ایجاد کند که ایران و همپیمانان آسیایی‌اش را با چالش‌های امنیتی در سطحی افزون‌تر روبه‌رو سازد. این چالش به موازات سیاستی که علیه ایران در زمین بازی هسته‌ای از سوی آمریکا در پیش گرفته شد، همزمان بود با سیاست معروف چرخش به آسیا که واشنگتن بر مبنای آن، چین را در کنار روسیه و ایران در رده یک تهدید بزرگ طبقه‌بندی می‌کرد. ذیل چنین نگاهی بود که ایالات متحده درصدد برآمد با ایجاد چالش‌های متعدد در منطقه آسیا هزینه ایران، روسیه و چین را بابت تقویت پیوندهای میان خود افزایش دهد.

این چنین است که رویکرد جمهوری اسلامی مبنی بر گسترش رابطه با روسیه و چین که ناظر بر تقویت چندجانبه‌گرایی به جریان افتاده است، مورد نگرانی آمریکایی واقع شده که تا پیش از این در قالب ائتلاف‌های قائم بند در عرصه همکاری‌های امنیتی و نظامی نتوانسته معادله قدرت را در این بخش مهم از جغرافیای جهان بر هم بریزد و محور یکجانبه‌گرایانه خود را به بازیگران اثرگذار این منطقه همچون ایران تحمیل نماید.